



# کتاب موج نو

یا سینمای ایران چگونه دگرگون شد  
احمد طالبی نژاد



## فهرست

۷	پیش درآمد
۲۳	یک اتفاق ساده
۳۱	قدرت ما در نیت ماست
۳۵	اساس کار واقعیت بود
۵۱	ما گروه کوچکی بودیم
۶۱	گفت‌وگوی احمد طالبی نژاد، داریوش مهرجویی و اصغر فرهادی
۹۱	گفت‌وگوی احمد طالبی نژاد، پرویز شهبازی و بهمن فرمان‌آرا
۱۱۹	گفت‌وگوی احمد طالبی نژاد، کیانوش عیاری و شهرام مگری
۱۳۵	نمایه‌ی آثار
۱۳۹	نمایه‌ی اشخاص

## پیش درآمد

رؤیای تولید فیلم سینمایی در ایران به عنوان کشوری آسیایی و مسلمان به همت آوانس اوهانیان (اوگانیانس) با دو فیلم آبی و رابی (۱۳۰۹) و حاجی آقا آکتور سینما (۱۳۱۲)، که به فاصله‌ی یک سال از یکدیگر ساخته شدند، تحقق پیدا کرد و از سال ۱۳۰۹ به این سو ما صنعت سینمای حرفه‌ای در حد و اندازه‌ی ایرانی داریم؛ صنعتی که در گیرودار حوادث سیاسی و اجتماعی کج‌دار و مریز راه خود را به سوی تعالی پیموده و می‌پیماید.

اما این سیر تحول بسیار کند و بطیء صورت گرفته و دلیلش هم کاملاً روشن است: سینمای ایران یکی از ارزان‌ترین تفریحات عامه‌ی مردم بود و از همان ابتدای شکل‌گیری، بایست با رقبای قدری از جمله سینمای امریکا، اروپا و سینمای رؤیاپرداز هند، مصر و برخی کشورهای دیگر رودررو می‌شد. از سوی دیگر ادامه‌دهندگان راهی که اوهانیان در ایران و عبدالحسین سپنتا در هندوستان گشودند، از جنس روشنفکران و آگاهان جامعه نبودند و سینما را نه به عنوان یک هنر که به عنوان ابزاری برای سرگرمی مردم و کسب درآمد می‌نگریستند.

از اواخر دهه‌ی ۱۳۴۰ به دلایلی که برخی از آن‌ها در همین مجال مورد بحث قرار خواهد گرفت سینمای ایران وارد مرحله‌ی تازه‌ای شد که در تحلیل‌های کارشناسانه از آن به عنوان «موج نو» یاد خواهد شد. این که اطلاق اصطلاح «موج نو» به این تحول صرفاً شبیه‌سازی با اتفاق مهم و جریان‌سازی است که در سینمای فرانسه از اواخر دهه‌ی ۱۹۵۰ صورت گرفت یا دلایل دیگری دارد و آیا اساساً تحول سینمای ایران در مقطع مورد اشاره ویژگی‌های یک موج را دارد یا جریانی مستمر بود که همچنان پایدار مانده، بحثی است که امیدوارم در این کتاب فرصت تحلیل و ارزیابی آن پیش آید. در تاریخ سینمای اغلب کشورهای که صنعت سینما در اندازه‌های حرفه‌ای دارند، جریان‌ها و خیزش‌هایی را می‌توان سراغ گرفت که اغلب هم ناشی از تحولات اجتماعی و سیاسی زمانه‌ی خود